

آموزش گرامر زبان اردو

در 30 درس جامع



آموزشگاه زبان ملل

زبان اردو یکی از زیباترین و غنی‌ترین زبان‌های جنوب آسیاست که از لحاظ تاریخی و فرهنگی با زبان‌های فارسی و عربی ارتباط نزدیکی دارد. این زبان که در پاکستان زبان ملی و در هند یکی از زبان‌های رسمی است، میلیون‌ها گویشور در سراسر جهان دارد. یادگیری زبان اردو، نه تنها دریچه‌ای به ادبیات، شعر و موسیقی آن می‌گشاید، بلکه ارتباطات میان‌فرهنگی را نیز تقویت می‌کند. زبان اردو با خط نستعلیق نوشته می‌شود، که جذابیت بصری خاصی به این زبان افزوده است و برای فارسی‌زبانان آشنایی زیادی دارد.

یکی از بخش‌های مهم و چالش‌برانگیز در یادگیری زبان اردو، دستور زبان آن است. گرامر اردو شباهت‌ها و تفاوت‌های جالبی با فارسی دارد. ساختار جمله در اردو به صورت «فاعل-مفعول-فعل» است که مشابه فارسی است، اما ویژگی‌هایی مانند جنسیت دستوری (برای اسامی و افعال) و تفاوت‌های پیچیده در صرف افعال و صفات، آن را متمایز می‌سازد. علاوه بر این، اردو دارای سیستمی قوی از پسوندها و پیشوندها برای ساخت کلمات جدید و رساندن معناهای مختلف است، که درک آن برای یادگیری عمیق‌تر زبان ضروری است.

این کتاب به طور خاص بر آموزش دستور زبان اردو تمرکز دارد و سعی دارد با استفاده از توضیحات ساده و مثال‌های کاربردی، مفاهیم پیچیده گرامری را قابل فهم کند. هدف اصلی این کتاب این است که زبان‌آموزان، به‌ویژه فارسی‌زبانان، بتوانند با تکیه بر شباهت‌های دو زبان، بر چالش‌های یادگیری گرامر اردو غلبه کنند و با استفاده از این مهارت‌ها، به‌صورت روان‌تر و دقیق‌تر به این زبان صحبت کنند یا بنویسند.

درس اول

الفبای اردو

زبان اردو ۲۵ حرف دارد که به شرح زیر است:

آ-ا	ب	پ	ت	ٹ	ث	ج	چ	ح	خ
و	ڈ	ذ	ر	ڑ	ز	ژ	س	ش	ص
ض	ط	ظ	ع	غ	ف	ق	ک	گ	ل
م	ن-ں	و	ه-ھ	ی-ے	(فیروز اللغات)				

فائده ۱: تمام حروف اردو مثل حروف زبان فارسی است غیر از سه حرف (ث، ڈ، ژ)

فائده ۲: هنگام ادای (ث، ڈ، ژ) سر زبان به کام می خورد. (فیروز اللغات: ۷۱۴)

فائده ۳: در زبان اردو دو نوع نون وجود دارد: ۱- نون اعلانیه ۲- نون غنه:

نون اعلانیه مثل نون فارسی ادا می شود {و نقطه دارد} مانند: تین، ہرن اما نون غنه در بینی ادا می شود {و

نقطه ندارد} مانند: یہاں - وہاں (فیروز اللغات: ۱۴۰۰)

فائده ۴: در زبان اردو دو نوع «و» وجود دارد: ۱- واو معروف ۲- واو مجهول

واو معروف را مثل واو فارسی خوب ظاهر کرده ادا می نمایند مانند: دور، حور. اما واو مجهول را هنگام ادا

خوب ظاهر نمی کنند مانند: زور، ہوش (فیروز اللغات: ۱۴۶۶)

فائده ۵: در زبان اردو دو نوع «ی» وجود دارد: ۱- یای معروف ۲- یای مجهول

یای معروف را مثل یای فارسی خوب ظاهر کرده ادا می نمایند مانند: فقیر، عید. اما یای مجهول را هنگام ادا

خوب ظاهر نمی کنند مانند: دلیر، دیر (فیروز اللغات: ۱۵۲۹)

یای معروف {اگر در آخر کلمه باشد} چنین (ی) نوشته می شود: مانند: نواسی، پوتی

یای مجهول {اگر در آخر کلمه باشد} چنین (ے) نوشته می شود: مانند: پوتے، نواسے (فیروز اللغات: ۱۵۲۹)

درس دوم

ضمایر فاعلی و مفعولی

ضمیر کلمه‌ای را گویند که بجای اسم آمده و از تکرار اسم در جمله جلوگیری نماید.
ضمیر بر سه قسم است: ۱- ضمیر فاعلی ۲- ضمیر مفعولی ۳- ضمیر ملکی
ضمیر فاعلی: ضمیری را گویند که بجای فاعل (کننده کار) بیاید.

ضمایر فاعلی					
حالت	تعداد	ضمیر	ترجمه	مثال اول	مثال دوم
غائب	واحد	وہ - اس نے	او	وہ گیا = او رفت	اس نے مارا = او زد
	جمع	وہ - انہوں نے	آنها	وہ گئے = آنها رفتند	انہوں نے مارے = آنها زدند
حاضر	واحد	تو - تو نے	تو	تو گیا = تو رفتی	تو نے مارا = تو زدی
	جمع	تم - آپ تم نے - آپ نے	شما	تم / آپ گئے = شما رفتید	تم نے / آپ نے مارے = شما زدید
متکلم	واحد	میں - میں نے	من	میں گیا = من رفتم	میں نے مارا = من زدم
	جمع	ہم - ہم نے	ما	ہم گئے = ما رفتیم	ہم نے مارے = ما زدیم

نوت: حرف «نے» علامت فاعل است و فقط با افعال متعدی استعمال می شود مانند مثال های بالا.

ضمیر مفعولی: ضمیری را گویند که بجای مفعول (کسی که عمل بر او واقع شده) بیاید.

ضمایر مفعولی					
حالت	تعداد	ضمیر	ترجمه	مثال اول	مثال دوم
غائب	واحد	اس کو - اے	او را	اس کو لے گیا = او را برد.	اے لے گیا = او را برد.
	جمع	ان کو - انہیں	آنها را	ان کو لے گیا = آنها را برد.	انہیں لے گیا = آنها را برد.
حاضر	واحد	تجھ کو - تجھے	تو را	تجھ کو لے گیا = تو را برد.	تجھے لے گیا = تو را برد.
	جمع	تم کو - آپ کو تمہیں	شما را	تم کو / آپ کو لے گیا = شما را برد.	تمہیں لے گیا = شما را برد.
متکلم	واحد	مجھ کو - مجھے	من را	مجھ کو لے گیا = من را برد.	مجھے لے گیا = من را برد.
	جمع	ہم کو - ہمیں	ما را	ہم کو لے گیا = ما را برد.	ہمیں لے گیا = ما را برد.

درس سوم

ضمایر ملکی

ضمیر ملکی: ضمیری را گویند کہ تعلق و ارتباط یک چیز و یا یک شخص را با چیز و شخصی دیگر ظاہر نماید.

ضمایر ملکی					
حالت	تعداد	ضمیر	ترجمہ	محل استعمال	مثال
غائب	واحد	اس کا	از او - مال او	پیش از واحد مذکر	اس کا بیٹا: پسر او
		اس کے	از او - مال او	پیش از جمع مذکر	اس کے بیٹے: پسران او
		اس کی	از او - مال او	پیش از واحد و جمع مؤنث	اس کی بیٹی: دختر او - اس کی بیٹیاں: دختران او
	جمع	ان کا	از او - مال او	پیش از واحد مذکر	ان کا بیٹا: پسر آنها
		ان کے	از آنها - مال آنها	پیش از جمع مذکر	ان کے بیٹے: پسران آنها
		ان کی	از آنها - مال آنها	پیش از واحد و جمع مؤنث	ان کی بیٹی: دختر آنها - ان کی بیٹیاں: دختران آنها
حاضر	واحد	تیرا	از تو - مال تو	پیش از واحد مذکر	تیرا بیٹا: پسر تو
		تیرے	از تو - مال تو	پیش از جمع مذکر	تیرے بیٹے: پسران تو
		تیری	از تو - مال تو	پیش از واحد و جمع مؤنث	تیری بیٹی: دختر تو - تیری بیٹیاں: دختران تو
	جمع	تمہارا - آپ کا	از شما - مال شما	پیش از واحد مذکر	تمہارا بیٹا: پسر شما آپ کا بیٹا: پسر شما
		تمہارے - آپ کے	از شما - مال شما	پیش از جمع مذکر	تمہارے بیٹے: پسران شما - آپ کے بیٹے: پسران شما
		تمہاری - آپ کی	از شما - مال شما	پیش از واحد و جمع مؤنث	تمہاری / آپ کی بیٹی: دختر شما تمہاری / آپ کی بیٹیاں: دختران شما
متکلم	واحد	میرا	از من - مال من	پیش از واحد مذکر	میرا بیٹا: پسر من
		میرے	از من - مال من	پیش از جمع مذکر	میرے بیٹے: پسران من
		میری	از من - مال من	پیش از واحد و جمع مؤنث	میری بیٹی: بیٹیاں: دختر / دختران من
	جمع	ہمارا	از ما - مال ما	پیش از واحد مذکر	ہمارا بیٹا: پسر ما
		ہمارے	از ما - مال ما	پیش از جمع مذکر	ہمارے بیٹے: پسران ما
		ہماری	از ما - مال ما	پیش از واحد و جمع مؤنث	ہماری بیٹی / بیٹیاں: دختر / دختران ما

درس چہارم

صفات ملکی

صفات ملکی تعلق و ارتباط یک چیز و یا یک شخص را با خود فاعل نشان می دهد.
صفات ملکی عبارتند از:

- ۱- اپنا: برای واحد مذکر مانند: محمود نے اپنا بھائی کو اسکول لے گیا = محمود برادر خود را به مکتب (مدرسه دولتی) برد.
- ۲- اپنے: برای جمع مذکر مانند: محمود نے اپنے بھائیوں کو اسکول لے گیا = محمود برادران خود را به مکتب (مدرسه دولتی) برد.
- ۳- اپنی: برای واحد و جمع مؤنث مانند: محمود نے اپنی بہن کو اسکول لے گیا = محمود خواهر خود را به مکتب (مدرسه دولتی) برد. - محمود نے اپنی بہنوں کو اسکول لے گیا = (محمود خواهران خود را به مکتب (مدرسه دولتی) برد.

اسم اشارہ

اسم اشارہ: اسمی را گویند کہ برای اشارہ کردن بہ چیز یا شخصی استفاده شود.
اسم اشارہ بر دو قسم است:
اسم اشارہ قریب: اسمی را گویند کہ برای اشارہ کردن بہ چیز یا شخصی نزدیک استفاده شود.
اسم اشارہ بعید: اسمی را گویند کہ برای اشارہ کردن بہ چیز یا شخصی دور استفاده شود.

حالت	اسم اشارہ قریب	مثال
واحد	یہ (این)	یہ کتاب ہے = این کتاب است.
	اس (این)	اس بچے کا نام محمود ہے = نام این بچہ محمود است.
جمع	ان (اینہا)	ان بچوں کو مت مارو = این بچہا را زن.

حالت	اسم اشارہ بعید	مثال
واحد	وہ (ان)	وہ تصویر ہے = آن عکس است.
	اُس (ان)	اُس کتاب کا نام کیا ہے؟ = نام آن کتاب چیست؟
جمع	اُن (انہا)	اُن بچوں کو بلاؤ = آن بچہا را صدمہ بزن.

درس پنجم

کلمات پر سشی

شماره	کلمات	معنی	مثال
۱	کیا	چہ	آپ کا نام کیا ہے؟ = نام شما چیست؟
۲	کیا	آیا	کیا حامد گیا ہے؟ آیا حامد رفته است؟
۳	کب	کی / چہ وقت	کب جاتے ہو؟ چہ وقت می روی؟
۴	کیوں	چرا	کیوں بات کرتے ہو؟ چرا سخن می گوید؟
۵	کہاں	کجا	کہاں رہتے ہو؟ کجا زندگی می کنید؟
۶	کدھر	کجا	کدھر جا رہے ہو؟ کجا می روید؟
۷	کیسا	چگونه	آپ کا بیٹا کیسا ہے؟ پسر شما چطور است؟
۸	کیسی	چگونه	آپ کی بیٹی کیسی ہے؟ دختر شما چطور است؟
۹	کیسے	چگونه	آپ کے بیٹے کیسے ہیں؟ پسران شما چطور اند؟
۱۰	کون	کی / چہ کسی	کون آیا ہے؟ چہ کسی آمدہ است؟
۱۱	کونسا	کدام	کونسا بیٹا آیا ہے؟ کدام پسر آمدہ است.
۱۲	کونسی	کدام	کونسی بیٹی آئی ہے؟ کدام دختر آمدہ است.
۱۳	کونسے	کدام	کونسے بچے آئے ہیں؟ کدام بچہ ہا آمدہ اند.
۱۴	کتنا	چند / چقدر	اس گھر کا عرض کتنا ہے؟ عرض این خانہ چقدر است؟
۱۵	کتنی	چند / چقدر	آپ کی عمر کتنی ہے؟ سن شما چقدر است؟
۱۶	کتنے	چند / چقدر	آپ کے بچے کتنے ہیں؟ بچہ ہا ی شما چند تا است؟
۱۷	کس	چہ کسی	کس نے یہ کام کیا ہے؟ چہ کسی این کار را کردہ است.
۱۸	کس لئے	برای چہ	کس لئے سفر کیا؟ برای چہ سفر کردی؟
۱۹	کس طرح	چگونه	کس طرح سوتے ہو؟ چگونه می خوابید؟

درس ششم

روش ساختن جمع

در لسان اردو به روش های زیر جمع ساخته می شود:

- ۱- با اضافه کردن «و» در آخر اسم ها جمع ساخته می شود. مانند: کتاب: کتابوں (کتاب ها)
مثال: ان کتابوں کے نام لکھو = نام این کتاب ها را بنویس.
- ۲- با اضافه کردن «یں» در آخر اسم ها جمع ساخته می شود. مانند: پنسل: پنسلیں (پنسل ها)
مثال: پنسلیں گم ہو گئیں = پنسل ها گم شدند.
- ۳- اگر در آخر واحد مذکر «الف» یا «ه» باشد با تبدیل کردن آن به «ے» جمع ساخته می شود.
مانند: لڑکا: لڑکے (پسر ها) ؛ بچہ: بچے (بچه ها)
مثال: لڑکے کھانا کھا رہے ہیں = پسران غذا می خورند. - بچے کھیل رہے ہیں = بچه ها بازی می کنند.
- ۴- اگر در آخر واحد مؤنث «ی» باشد با اضافه کردن «اں» جمع ساخته می شود. مانند: مرغی:
مرغیاں (مرغ ها) مثال: یہ خوبصورت مرغیاں ہیں = اینها مرغ های زیبایی هستند.
- ۵- اگر در آخر واحد مؤنث «الف» یا «واو» باشد با اضافه کردن «ئیں» جمع ساخته می شود.
مانند: خطا: خطائیں؛ خطاها (خوشبوئیں) خوشبوها
مثال: میرے خطائیں معاف کرنا = خطاها یم را ببخشید. یہ خوشبوئیں سوگھ لو = این خوشبوها (عطرها) را بوی کن.
- ۶- اگر در آخر واحد مؤنث «یا» باشد با اضافه کردن «ں» جمع ساخته می شود. مانند: گڑیا: گڑیاں
(عروسک ها) مثال: وہ گڑیاں خرید لو = آن عروسک ها را بخر.

درس هفتم

مذکر و مؤنث

- ۱- نام روزها و ماهها مذکر است غیر از «جمعرات = پنجشنبه» که مؤنث است.
- ۲- نام کوهها و دریاها مذکر است غیر از «گگا و جئا» که مؤنث است.
- ۳- نام تمام سیارهها (سورج: خورشید - چاند: ماه - عطارد، مشتری و زهره) مذکر است غیر از «زمین» که مؤنث است.
- ۴- نام تمام فلزات و آهنها (لوا: آهن - سونا: طلا - پیتل: مس و...) مذکر است غیر از «قلعی: گلت - چاندی: نقره» که مؤنث است.
- ۵- نام تمام آوازاها مؤنث است مانند: چون چون (صدای گنجشکها و رفتن موتر)، سائیس سائیس (صدای وزیدن باد)، گزگزاهٹ (صدای فیر مسلسل توپ) و...
- ۶- نام تمام لسانها مؤنث است مانند: اردو، فارسی، عربی، پنجابی، سندھی، بلوچی، انگریزی و...
- ۷- نام کتابها عموماً مؤنث است البته کتابی که در ابتدای نامش کلمه «قصه» باشد مذکر است. مانند: قصه چاردریش
- ۸- نام تمام قارهها، کشورها، شهرها و قریهها مذکر است مانند: یورپ، ایشیا، آفریقہ، پاکستان، کراچی، لاهور و...
- ۹- نام تمام نمازاها مؤنث است مانند: فجر، ظہر، عصر، مغرب، عشاء، تہجد و...
- ۱۰- کلمه‌ای که در آخرش یای معروف (ی) باشد عموماً مؤنث است مانند: نیکی، بدی، روٹی و... غیر از (دی): ماست - گھی: روغن - پانی: آب - موتی: مروارید) که مذکر است.
- ۱۱- کلمه‌ای که در آخرش الف باشد عموماً مؤنث است مانند: ابتدا، انتہا، دعا، وفا، حیا، قضا و...
- ۱۲- کلمه‌ای که در آخرش «او» یا «پن» باشد مذکر است مانند: پھیلاؤ، بہاؤ، چہاؤ، بچپن، لڑکپن و...
- ۱۳- این کلمات همیشه مذکر است: نکت، اخبار، مرض، درد، زہر، عشق، وعظ، تار، ہوش
- ۱۴- این کلمات همیشه مؤنث است: کار، سائیکل، پارٹی، میٹنگ
- ۱۵- بعضی کلمات مشترک اند یعنی هم مذکر اند و هم مؤنث مانند: بچہ، کھلاڑی، دوست، یتیم، مہمان، مسافر، صدر، وزیراعظم.

درس هشتم

مصدر

مصدر اسمی است که خودش از چیزی ساخته نشده اما کلمات زیادی از او ساخته می‌شود. مانند: کھنا که از او ککھا، کھتا ہوں، کھنے والا و... ساخته شده است.

در زبان اردو علامت « نا » در آخر مصدر می‌آید مانند: کھنا، پینا، سونا

البته در آخر بعضی اسم‌ها « نا » است اما مصدر نیستند مانند: نانا، کھلونا، کتنا

و علامت مصدر این است که اگر از آخرش « نا » را حذف کنیم فعل امر ساخته می‌شود. کھنا = کھ - پینا = پی - مثال: صرف کھانا پینا ہی زندگی کا مقصد نہیں = فقط خوردن و نوشیدن مقصد زندگی نیست.

اسم فاعل

اسم فاعل اسمی را گویند که بجای کننده کار استفاده شود. مانند: جھوٹ بولنے والے پر خدا کی لعنت = لعنت خدا بر دروغگو.

روش ساخت اسم فاعل: الفی را که آخر مصدر است به یای مجهول (ے) تبدیل نموده بعد از آن « والا » اضافه می‌کنیم مانند: بولنا = بولنے والا - پینا = پینے والا - کھانا = کھانے والا

اسم مفعول

اسم مفعول اسمی را گویند که بجای چیز یا کسی که فعل بر او واقع شده، استفاده شود. مانند: اگر اللہ چاہے تو مرا ہوا بھی زندہ ہو جائے = اگر خداوند بخواهد مرده هم زنده می‌شود.

روش ساخت اسم مفعول: با اضافه کردن « ہوا » در آخر ماضی مطلق اسم مفعول ساخته می‌شود مانند: ککھا = ککھا ہوا - سنا = سنا ہوا - دیکھا = دیکھا ہوا

درس نہم

اسم حالیہ

اسم حالیہ اسمی را گویند کہ حالت فاعل یا مفعول و یا ہر دو را بیان کند مانند: فیصل ہستاہوا جماعت میں داخل ہوا (فیصل با خندہ داخل صنف شد)۔ بچی روتی ہوی سو گئی (دختر بچہ با گریہ خوابید)۔ طلبے بھاگتے ہوئے مدرسہ آگئے (طلاب دویدہ مدرسہ آمدند)

روش ساخت اسم حالیہ: علامت مصدر «نا» را حذف نموده و «تاہوا» یا «تی ہوی» یا «تے ہوئے» را اضافہ می کنیم مانند: آنا= آتاہوا، آتی ہوی، آتے ہوئے - کھینا= کھیٹاہوا، کھیلتی ہوی، کھیلتے ہوئے

مرکب توصیفی

مرکب توصیفی مرکبی را گویند کہ در آن صفت و موصوف ہر دو باشند۔
در لسان اردو صفت ہمیشہ قبل از موصوف می آید مانند:

خوبصورت تصویر (عکس زیبا) - نیک لڑکا (پسر نیک) - ٹھنڈا پانی (آب سرد)

مرکب اضافی

مرکب اضافی مرکبی را گویند کہ در آن مضاف و مضاف الیہ ہر دو باشند مانند: فیصل کی کتاب (کتاب فیصل)
در لسان اردو مضاف الیہ ہمیشہ قبل از مضاف می آید۔

برای مضاف کردن و نسبت دادن چیزی بہ چیزی دیگر از حروف زیر استفادہ می شود:

۱- کا: برای نسبت دادن واحد مذکر مانند: محمود کا بھائی (برادر محمود)

۲- کی: برای نسبت دادن واحد و جمع مؤنث مانند: محمود کی بہن (خواہر محمود) - محمود کے بہنیں

(خواہران محمود)

۳- کے: برای نسبت دادن جمع مذکر مانند: محمود کے بھائیوں (برادران محمود)

درس دہم

حروف عطف

حروف عطف حروفی را می نامند کہ برای وصل کردن دو اسم یا دو جملہ استفاده می شوند.

شماره	حروف	معنی	مثال
۱	و	و	حامد و محمود بھائی ہیں = حامد و محمود برادر اند.
۲	اور	و	کتاب اور پن خرید لو = کتاب و قلم بخر.
۳	پھر	سپس	کھانا کھاؤ پھر جاؤ = غذا بخور سپس برو.

حروف شرط

حروف شرط حروفی را می نامند کہ در ابتدای جملہ می آیند و معنای شرط را می دهند.

شماره	حروف	معنی	مثال
۱	اگر	اگر	اگر تم محنت کرتے تو کامیاب ہو جاتے = اگر شما تلاش می کردید کامیاب می شدید.
۲	جب	وقتیکہ	جب فیصل آئے گا تب میں جاؤں گا = وقتیکہ فیصل بیاید من می روم.
۳	جب تک	تا وقتیکہ	جب تک فیصل نہ آئے میں نہیں جاؤں گا = تا وقتیکہ فیصل نیاید من نمی روم.
۴	جو	ہرچہ	جو بوؤ گے سو کاٹو گے = ہرچہ بکاری درو می کنی.

حروف تشبیہ

حروف تشبیہ حروفی را می نامند کہ برای تشبیہ دادن چیزی بہ چیزی دیگر استفاده می شوند.

شماره	حروف	معنی	مثال
۱	جیسے	مثل / مانند	موتی جیسے دانت = دندانہایی مثل مروارید.
۲	طرح	مثل / مانند	برف کی طرح ٹھنڈا = سرد مثل یخ.
۳	مانند	مانند	بھیرے کی مانند ظالم = ظالم مانند گرگ.
۴	مثل	مثل	شیر کی مثل بہادر = شجاع مثل شیر.

درس یازدهم

حروف علت

حروف علت حروفی را می نامند که برای بیان کردن علت و سبب یک کار استفاده می شوند.

شماره	حروف	معنی	مثال
۱	کیونکہ	چرا کہ	ہم باہر نہ نکل سکے کیونکہ سخت گرمی تھی (ما نتوانستیم بیرون شویم چرا کہ گرمی شدید بود،)
۲	اس لئے کہ	برای اینکه	ہم باہر نہ نکل سکے اس لئے کہ سخت گرمی تھی (ما نتوانستیم بیرون شویم برای اینکه گرمی شدید بود،)
۳	اس واسطے کہ	به این خاطر کہ	ہم باہر نہ نکل سکے اس واسطے کہ سخت گرمی تھی (ما نتوانستیم بیرون شویم به این خاطر کہ گرمی شدید بود،)
۴	چونکہ	چونکہ	چونکہ سخت گرمی تھی ہم باہر نہ نکل سکے (چونکہ گرمی شدید بود، ما نتوانستیم بیرون شویم)

حروف جر

حروف جر حروفی را می نامند کہ برای ربط دادن اسم با فعل در جملہ استفاده می شوند.

شماره	حروف	معنی	مثال
۱	میں	در	میں اسکول میں پڑھتا ہوں = من در مکتب درس می خوانم.
۲	سے	از	میں کراچی شہر سے ہوں = من از شہر کراچی ہستم.
۳	سے	با	مجھے آپ سے محبت ہے = من با شما محبت دارم.
۴	پر	در	میں گھر پر ہوں = من در خانہ ہستم.
۵	تک	تا	مجھے بازار تک لے جاؤ = من را تا بازار ببر.
۶	لئے	برای	میرے لئے پانی لاؤ = برای من آب بیاور.
۷	کے لئے	برای	احمد کے لئے چائی لاؤ = برای احمد چائی بیاور.
۸	ساتھ	با / ہمراہ	احمد کے ساتھ جاؤ = ہمراہ احمد برو.

درس دوازدهم

اجزای جمله

عموماً یک جمله از فعل و فاعل و گاهی اوقات مفعول ساخته می شود.
فعل کلمه ای است که بر انجام گرفتن یا انجام دادن کاری دلالت می کند. **فاعل** انجام دهنده فعل را می نامند.
مفعول شخص یا چیزی را که فعل بر آن واقع شده است، می نامند مانند: احمد آیا (احمد آمد) که «احمد» فاعل و «آیا» فعل است. احمد کھانا کھایا (احمد غذا خورد)؛ «احمد» فاعل، «کھانا» مفعول و «کھایا» فعل است.
 در لسان اردو همیشه اول فاعل سپس مفعول و در آخر فعل می آید مانند:

فاعل	مفعول	فعل
احمد	کھانا	کھایا
احمد	غذا	خورد

افعال بودن (زمان حال)

این افعال موجودیت یک شخص و یا یک چیز را در زمان حال نشان می دهند مانند: یہ ایک اسکول ہے = این یک مکتب است. میں مسلمان ہوں = من مسلمان هستم.

واحد غائب	وہ بیمار ہے	او مریض هست.
واحد حاضر	تو بیمار ہے	تو مریض هستی.
واحد متکلم	میں بیمار ہوں	من مریض هستم.

جمع غائب	وہ بیمار ہیں	آنها مریض هستند.
جمع حاضر	تم بیمار ہو	شما مریض هستید.
جمع حاضر	آپ بیمار ہیں	شما مریض هستید.
جمع متکلم	ہم بیمار ہیں	ما مریض هستیم.

درس سیزدهم

افعال بودن (زمان گذشته)

این افعال موجودیت یک شخص و یا یک چیز را در زمان گذشته نشان می‌دهند مانند: **یه ایک اسکول تھا = این یک مکتب بود.**

واحد غائب	وہ بیمار تھا / تھی	او مریض بود.
واحد حاضر	تو بیمار تھا / تھی	تو مریض بودی.
واحد متکلم	میں بیمار تھا / تھی	من مریض بودم.

جمع غائب	وہ بیمار تھے	آنها مریض بودند.
جمع حاضر	تم / آپ بیمار تھے	شما مریض بودید.
جمع متکلم	ہم بیمار تھے	ما مریض بودیم.

درس چہار دہم

افعال بودن (زمان آئندہ)

این افعال موجودیت یک شخص و یا یک چیز را در زمان آئندہ نشان می دهند مانند: یہ ایک اسکول ہوگا = این یک مکتب خواهد شد.

واحد غائب	وہ کامیاب ہوگا / ہوگی	او کامیاب خواهد شد.
واحد حاضر	تو کامیاب ہوگا / ہوگی	تو کامیاب خواهی شد.
واحد متکلم	میں کامیاب ہوں گا / ہوں گی	من کامیاب خواهم شد.

جمع غائب	وہ کامیاب ہوں گے	آنها کامیاب خواهند شد.
جمع حاضر	تم / آپ کامیاب ہوں گے	شما کامیاب خواهید شد.
جمع متکلم	ہم کامیاب ہوں گے	ما کامیاب خواهیم شد.

درس پانزدہم

فعل

فعل کلمہ ای است کہ بر انجام کاری در یکی از زمان‌ها (گذشته، حال، آینده) دلالت نماید مانند: احمد نے خط لکھا : احمد نامہ نوشت.

فعل بر سه قسم است:

۱- ماضی: فعلی را گویند کہ بر انجام کاری در زمان گذشته دلالت نماید مانند: احمد نے خط لکھا : احمد نامہ نوشت.

۲- حال: فعلی را گویند کہ بر انجام کاری در زمان حال دلالت نماید مانند: احمد خط لکھ رہا ہے: احمد نامہ می‌نویسد.

۳- مستقبل (آینده): فعلی را گویند کہ بر انجام کاری در زمان آینده دلالت نماید مانند: احمد خط لکھے گا: احمد نامہ خواهد نوشت.

اقسام ماضی

ماضی بر شش قسم است:

ماضی مطلق؛ ماضی قریب؛ ماضی بعید؛ ماضی استمراری؛ ماضی احتمالی، ماضی تمنایی

۱- ماضی مطلق: فعلی را گویند کہ بر انجام کاری در زمان گذشته دلالت نماید بدون اینکه دوری یا نزدیکی آن را ظاهر نماید مانند: احمد نے خط لکھا : احمد نامہ نوشت.

روش ساخت ماضی مطلق: علامت مصدر «نا» را حذف می‌کنیم بعد از آن اگر «الف» یا «واو» باقی ماند

حرف «یا» را اضافه می‌کنیم مانند: کھانا-نا+یا= کھایا (خورد) - روٹا-نا+یا= رویا (گریه کرد)

و اگر حرفی دیگر باقی ماند «الف» اضافه می‌کنیم مانند: لکھنا-نا+ا= لکھا (نوشت)

ماضی مطلق						
جنس	واحد غائب	جمع غائب	واحد حاضر	جمع حاضر	واحد متکلم	جمع متکلم
مذکر	وہ آیا	وہ آئے	تو آیا	تم/آپ آئے	میں آیا	ہم آئے
مؤنث	وہ آئی	وہ آئیں	تو آئی	تم/آپ آئیں	میں آئی	ہم آئیں
ترجمہ	او آمد	انہا آمدند	تو آمدی	شما آمدید	من امدم	ما آمدیم
مذکر	وہ لکھا	وہ لکھے	تو لکھا	تم/آپ لکھے	میں لکھا	ہم لکھے
مؤنث	وہ لکھی	وہ لکھیں	تو لکھی	تم/آپ لکھیں	میں لکھی	ہم لکھیں
ترجمہ	او نوشت	آنها نوشتند	تو نوشتی	شما نوشتید	من نوشتم	ما نوشتیم

درس شانزدهم

۲- **ماضی قریب:** فعلی را گویند که بر انجام کاری در زمان گذشته نزدیک دلالت نماید مانند: احمد نے خط لکھا ہے: احمد نامہ نوشتہ است.

روش ساخت ماضی قریب: با اضافه کردن «ہے - ہیں - ہوں» در آخر ماضی مطلق، ماضی قریب ساخته می شود مانند: کھایا + ہے = کھایا ہے (خورده است) - کھائے + ہیں = کھائے ہیں (خورده اند) - کھایا + ہوں = کھایا ہوں (خورده ام)

ماضی قریب						
جنس	واحد غائب	جمع غائب	واحد حاضر	جمع حاضر	واحد متکلم	جمع متکلم
مذکر	وہ آیا ہے	وہ آئے ہیں	تو آیا ہے	تم / آپ آئے ہیں	میں آیا ہوں	ہم آئے ہیں
مؤنث	وہ آئی ہے	وہ آئی ہیں	تو آئی ہے	تم / آپ آئی ہیں	میں آئی ہوں	ہم آئی ہیں
قرجمہ	او	آنها	تو	شما	من	ما
	آمدہ است.	آمدہ اند	آمدہ ای	آمدہ اید	آمدہ ام	آمدہ ایم

درس ہفدہم

۳- ماضی بعید: فعلی را گویند کہ بر انجام کاری در زمان گذشتہ دور دلالت نماید مانند: احمد نے خط

لکھا تھا: احمد نامہ نوشتہ بود.

روش ساخت ماضی بعید: با اضافہ کردن «تھا، تھے، تھیں» در آخر ماضی مطلق، ماضی

بعید ساختہ می شود مانند: کھایا + تھا = کھایا تھا (خورده بود) - کھائے + تھے = کھائے تھے (خورده بودند).

کھائی + تھی = کھائی تھی (خورده بود) - کھائی + تھیں = کھائی تھیں (خورده بودند)

ماضی بعید						
جنس	واحد غائب	جمع غائب	واحد حاضر	جمع حاضر	واحد متکلم	جمع متکلم
مذکر	وہ آیا تھا	وہ آئے تھے	تو آیا تھا	تم / آپ آئے تھے	میں آیا تھا	ہم آئے تھے
مؤنث	وہ آئی تھی	وہ آئی تھیں	تو آئی تھی	تم / آپ آئی تھیں	میں آئی تھی	ہم آئی تھیں
ترجمہ	او آمدہ بود.	آنها آمدہ بودند	تو آمدہ بودی	شما آمدہ بودید	من آمدہ بودم	ما آمدہ بودیم

درس هیجدهم

۴- ماضی استمراری: فعلی را گویند که بر انجام کاری در زمان گذشته بصورت دوام و استمرار

دلالت نماید مانند: احمد خط لکھتا تھا / لکھ رہا تھا احمد نامہ می نوشت.

روش ساخت ماضی استمراری: علامت مصدر «نا» را حذف می کنیم بعد از آن «تا تھا» یا «رہا تھا» یا

«تے تھے» یا «رہے تھے» یا «تی تھی» یا «رہی تھی» یا «تی تھیں» یا «رہی تھیں» را اضافه می کنیم مانند:

کھانا - نا + تا تھا / رہا تھا = کھاتا تھا، کھا رہا تھا (می خورد) * کھانا - نا + تے تھے / رہے تھے = کھاتے تھے، کھا رہے تھے (می خوردند)

* کھانا - نا + تی تھی / رہی تھی = کھاتی تھی، کھا رہی تھی (می خورد) * کھانا - نا + تی تھیں / رہی تھیں = کھاتی تھیں، کھا رہی تھیں

(می خوردند)

ماضی استمراری						
جنس	واحد غائب	جمع غائب	واحد حاضر	جمع حاضر	واحد متکلم	جمع متکلم
مذکر	وہ آتا تھا	وہ آتے تھے	تو آتا تھا	تم / آپ آتے تھے	میں آتا تھا	ہم آتے تھے
	وہ آ رہا تھا	وہ آ رہے تھے	تو آ رہا تھا	تم / آپ آ رہے تھے	میں آ رہا تھا	ہم آ رہے تھے
مؤنث	وہ آتی تھی	وہ آتی تھیں	تو آتی تھی	تم / آپ آتی تھیں	میں آتی تھی	ہم آتی تھیں
	وہ آ رہی تھی	وہ آ رہی تھیں	تو آ رہی تھی	تم / آپ آ رہی تھیں	میں آ رہی تھی	ہم آ رہی تھیں
ترجمہ	او	آنها	تو	شما	من	ما
	می آمد.	می آمدند	می آمدی	می آمدید	می آمدم	می آمدم

درس نوزدهم

۵- ماضی احتمالی یا شکی: فعلی را گویند که بر انجام کاری در زمان گذشته بصورت احتمال و شک

دلالت نماید مانند: شاید احمد نے خط لکھا ہوگا: احمد شاید نامہ نوشتہ باشد.

روش ساخت ماضی احتمالی یا شکی: با اضافه کردن « ہوگا، ہونگے، ہوگی، ہونگی، ہوگا » در آخر

ماضی مطلق، ماضی احتمالی ساخته می شود مانند: کھایا + ہوگا = کھایا ہوگا (شاید خورده باشد) *

کھائے + ہوگے = کھائے ہوگے (شاید خورده باشند) * کھائی + ہوگی = کھائی ہوگی (شاید خورده باشند) *

کھائی + ہوگی = کھائی ہوگی (شاید خورده باشند) * کھایا + ہوگا = کھایا ہوگا (شاید خورده باشند)

ماضی احتمالی						
جنس	واحد غائب	جمع غائب	واحد حاضر	جمع حاضر	واحد متکلم	جمع متکلم
مذکر	وہ آیا ہوگا	وہ آئے ہونگے	تو آیا ہوگا	تم/آپ آئے ہونگے	میں آیا ہونگا	ہم آئے ہونگے
مؤنث	وہ آئی ہوگی	وہ آئی ہوگی	تو آئی ہوگی	تم/آپ آئی ہوگی	میں آئی ہوگی	ہم آئی ہوگی
ترجمہ	او شاید آمدہ باشد.	آنها شاید آمدہ باشند.	تو شاید آمدہ باشی	شما شاید آمدہ باشید	من شاید آمدہ باشم	ما شاید آمدہ باشیم

درس بیستم

۶- ماضی تمنایی یا شرطی: فعلی را گویند که بر وجود شرط یا آرزو و خواهش انجام کاری در زمان

گذشته دلالت نماید مانند: کاش احمد خط لکھتا: کاش احمد نامہ می نوشت.

روش ساخت ماضی تمنایی یا شرطی: علامت مصدر «نا» را حذف می کنیم بعد از آن «تا»

یا «تے» یا «تی» یا «تیں» را اضافه می کنیم مانند: کھانا - نا + تا = کھاتا (اگر/کاش می خورد) * کھانا - نا +

تے = کھاتے (اگر/کاش می خوردند) * کھانا - نا + تی = کھاتی (اگر/کاش می خورد) * کھانا - نا + تیں =

کھاتیں (اگر/کاش می خوردند)

ماضی تمنایی						
جنس	واحد غائب	جمع غائب	واحد حاضر	جمع حاضر	واحد متکلم	جمع متکلم
مذکر	وہ آتا	وہ آتے	تو آتا	تم/آپ آتے	میں آتا	ہم آتے
مؤنث	وہ آتی	وہ آتیں	تو آتی	تم/آپ آتیں	میں آتی	ہم آتیں
ترجمہ	او اگر/کاش می آمد.	آنها اگر/کاش می آمدند.	تو اگر/کاش می آمدی	شما اگر/کاش می آمدید	من اگر/کاش می آمدم	ما اگر/کاش می آمدیم

درس بیست و یکم

فعل حال سادہ

فعل حال سادہ: فعلی را گویند کہ بر انجام کاری در زمان حال دلالت نماید مانند: احمد خط کھتا ہے: احمد نامہ می نویسد۔

روش ساخت فعل حال: علامت مصدر «تا» را حذف می کنیم بعد از آن «تا ہے» یا «تی ہے» یا «تے ہیں» یا «تی ہیں» یا «تے ہو» یا «تی ہو» یا «تا ہوں» یا «تی ہوں» را اضافہ می کنیم مانند:
کھانا-نا+تا ہے = کھاتا ہے: (می خورد) * کھانا-نا+تی ہے = کھاتی ہے:
(می خورد) * کھانا-نا+تی ہیں = کھاتی ہیں: (می خورد)

فعل حال						
جنس	واحد غائب	جمع غائب	واحد حاضر	جمع حاضر	واحد متکلم	جمع متکلم
مذکر	وہ آتا ہے	وہ آتے ہیں	تو آتا ہے	تم آتے ہو-آپ آتے ہیں	میں آتا ہوں	ہم آتے ہیں
مؤنث	وہ آتی ہے	وہ آتی ہیں	تو آتی ہے	تم آتی ہو-آپ آتی ہیں	میں آتی ہوں	ہم آتی ہیں
ترجمہ	او می آید	آنها می آیند	تو می آیی	شما می آیید	من می آیم	ما می آییم

فعل حال جاری

فعل حال جاری: فعلی را گویند کہ بر انجام کاری دلالت نماید کہ هنگام سخن گفتن در جریان باشد مانند: احمد خط لکھ رہا ہے: (احمد دارد نامہ می نویسد)۔

روش ساخت فعل حال: علامت مصدر «تا» را حذف می کنیم بعد از آن «رہا ہے» یا «رہی ہے» یا «رہے ہیں» یا «رہی ہیں» یا «رہے ہو» یا «رہی ہو» یا «رہا ہوں» یا «رہی ہوں» را اضافہ می کنیم مانند:
کھانا-نا+رہا ہے = کھا رہا ہے (دارد می خورد) * کھانا-نا+رہے ہیں = کھا رہے ہیں (دارند می خوردند) * کھانا-نا+رہی ہے = کھا رہی ہے (دارد می خورد) * کھانا-نا+رہی ہیں = کھا رہی ہیں (دارند می خوردند)

فعل حال						
جنس	واحد غائب	جمع غائب	واحد حاضر	جمع حاضر	واحد متکلم	جمع متکلم
مذکر	وہ آرہا ہے	وہ آرہے ہیں	تو آرہا ہے	تم آرہے ہو-آپ آرہے ہیں	میں آرہا ہوں	ہم آرہے ہیں
مؤنث	وہ آرہی ہے	وہ آرہی ہیں	تو آرہی ہے	تم آرہی ہو-آپ آرہی ہیں	میں آرہی ہوں	ہم آرہی ہیں
ترجمہ	او دارد	آنها دارند	تو داری	شما دارید می آیید	من دارم	ما داریم
	می آید	می آیند	می آیی		می آیم	می آییم

درس بیست و دوم

فعل مضارع

فعل مضارع: فعلی را گویند که بر انجام کاری در زمان حال و آینده دلالت نماید مانند: احمد خط کھئے: احمد نامہ بنویسد.

روش ساخت فعل مضارع: علامت مصدر «نا» را حذف می کنیم بعد از آن اگر «الف» یا «واو» باقی ماند «ے» یا «ئیں» یا «و» یا «وں» را اضافه می کنیم مانند: کھانا-نا+ے=کھائے (بخورد) * کھانا-نا+ئیں=کھائیں (بخورند) * کھانا-نا+و=کھاؤ (بخورید) * کھانا-نا+وں=کھاؤں (بخورم) و اگر بعد از حذف علامت مصدر، حرفی دیگر باقی ماند «ے» یا «یں» یا «و» یا «وں» را اضافه می کنیم مانند: دیکھنا-نا+ے=دیکھے (بیند) * دیکھنا-نا+یں=دیکھیں (بینند) * دیکھنا-نا+و=دیکھو (بینید) * دیکھنا-نا+وں=دیکھوں (بینم)

فعل مضارع						
جنس	واحد غائب	جمع غائب	واحد حاضر	جمع حاضر	واحد متکلم	جمع متکلم
مذکر و مؤنث	وہ آئے	وہ آئیں	تو آئے	تم آؤ-آپ آئیں	میں آؤں	ہم آئیں
ترجمہ	او بیاید.	آنها بیایند	تو بیایی	شما بیایید	من بیایم	ما بیاییم
مذکر و مؤنث	وہ سوئے	وہ سوئیں	تو سوئے	تم سوؤ-آپ سوئیں	میں سوؤں	ہم سوئیں
ترجمہ	او بخوابد.	آنها بخوابند	تو بخوابی	شما بخوابید	من بخوابم	ما بخوابیم
مذکر و مؤنث	وہ دیکھے	وہ دیکھیں	تو دیکھے	تم دیکھو-آپ دیکھیں	میں دیکھوں	ہم دیکھیں
ترجمہ	او بیند.	آنها بینند	تو بینی	شما بینید	من بینم	ما بینیم

درس بیست و سوم

فعل مستقبل (آینده)

فعل مستقبل (آینده): فعلی را گویند که بر انجام کاری در زمان آینده دلالت نماید مانند: احمد خط ^{کشد} گے: احمد نامہ خواهد نوشت.

روش ساخت فعل مستقبل (آینده): با اضافه کردن «گا، گی، گے» در آخر فعل مضارع، فعل مستقبل ساخته می شود مانند: کھائے + گا = کھائے گا (خواهد خورد) * کھائے + گی = کھائے گی (خواهد خورد) * کھائے + گے = کھائے گے (خواهند خورد)

فعل مستقبل						
جنس	واحد غائب	جمع غائب	واحد حاضر	جمع حاضر	واحد متکلم	جمع متکلم
مذکر	وہ آئے گا	وہ آئیں گے	تو آئے گا	تم آؤ گے - آپ آئیں گے	میں آؤں گا	ہم آئیں گے
مؤنث	وہ آئے گی	وہ آئیں گی	تو آئے گی	تم آؤ گی - آپ آئیں گی	میں آؤں گی	ہم آئیں گی
ترجمہ	او خواهد آمد.	آنها خواهند آمد.	تو خواهی آمد.	شما خواهید آمد.	من خواهم آمد.	ما خواهیم آمد.

درس بیست و چهارم

فعل امر

فعل امر: فعلی را گویند که در آن به انجام کاری دستور داده شود مانند: خط لکھ: نامه بنویس.

روش ساخت فعل امر: علامت مصدر «نا» را حذف می‌کنیم در صیغه واحد حاضر هیچ حرفی اضافه

نمی‌کنیم و در بقیه صیغه‌ها «و» یا «ے» یا «ئیں» را اضافه می‌کنیم مانند: کھانا - نا = کھا (بخور) * کھانا - نا + و =

کھاؤ (بخورید) * کھانا - نا + ے = کھائے (بخورد) * کھانا - نا + ئیں = کھائیں (بخورند)

نوت: فعل امر فقط چهار صیغه دارد.

فعل امر				
جنس	واحد حاضر	جمع حاضر	واحد غائب	جمع غائب
مذکر و مؤنث	تو آ	تم آؤ- آپ آئیں	وہ آئے	وہ آئیں
ترجمہ	تو بیا	شما بیایید	او بیاید.	آنها بیایند.

درس بیست و پنجم

فعل نهی

فعل نهی: فعلی را گویند که در آن از انجام کاری منع شود مانند: خط مت لکھ: نامه ننویس.

روش ساخت فعل نهی: با اضافه کردن «نه» یا «مت» قبل از فعل امر، فعل نهی ساخته می شود مانند:

کھا: نه / مت کھا (نخور) * کھاؤ: نه / مت کھاؤ (نخورید) * کھائے: نه / مت کھائے (نخورد) * کھائیں: نه / مت کھائیں (نخورند)

نوت: فعل نهی فقط چهار صیغه دارد.

فعل نهی				
جنس	واحد حاضر	جمع حاضر	واحد غائب	جمع غائب
مذکر و مؤنث	تو نہ آ	تم نہ آؤ - آپ نہ آئیں	وہ نہ آئے	وہ نہ آئیں
مذکر و مؤنث	تو مت آ	تم مت آؤ - آپ مت آئیں	وہ مت آئے	وہ مت آئیں
ترجمہ	تو نیا	شما نیاید	او نیاید.	آنها نیایند.

درس بیست و ششم

فعل لازم و متعدی

فعل لازم فعلی را گویند که با فاعل تکمیل شود و به مفعول نیاز نداشته باشد مانند: مانند: احمد آیا (احمد آمد)
فعل متعدی فعلی را گویند که با فاعل تکمیل نشود و به مفعول نیاز داشته باشد و عموماً بعد از آن علامت
«ن» می آید مانند: احمد نے کھانا کھایا (احمد غذا خورد)

روش های تبدیل کردن فعل لازم به فعل متعدی

- ۱- با اضافه کردن «الف» بعد از حرف دوم مصدر مانند: اترنا: اترانا - اچھلنا: اچھلانا - اکھڑنا: اکھڑانا
- ۲- با اضافه کردن «یای مجهول» بعد از حرف دوم مصدر مانند: سمیٹنا: سمیٹنا - اکھڑنا: اکھڑنا - بکھیرنا: بکھیرنا
- ۳- با اضافه کردن «واو مجهول» بعد از حرف دوم مصدر مانند: چھبھنا: چھبھونا
- ۴- اگر حرف سوم مصدر علت باشد یعنی «الف» یا «و» یا «ی» باشد آن را حذف نموده و بجای آن «لا» می آوریم مانند: نہانا: نہلانا - دھونا: دھلانا

روش منفی ساختن فعل مثبت

با آوردن «نه» یا «نہیں» قبل از فعل در جمله مثبت، فعل منفی ساخته می شود مانند: آیا = نہیں آیا (نیامد) *
کھاؤں = نہ کھاؤں (نخورم)
برای منفی ساختن ماضی تمنایی و فعل مضارع همیشه «نه» استفاده می شود مانند: احمد خط نہ لکھے: احمد نامه
ننویسد. - کاش فیصل نہ آتا (کاش فیصل نمی آمد)

فعل معروف و مجهول

فعل معروف فعلی را گویند که فاعلش مشخص باشد مانند: احمد نے خط لکھا: احمد نامه نوشت.
فعل مجهول فعلی را گویند که فاعلش مشخص نباشد مانند: خط لکھا گیا: نامه نوشته شد.
روش ساختن فعل مجهول: از هر مصدری که می خواهیم فعل مجهول بسازیم در آخر ماضی مطلق آن،
از مصدر «جانا» همان نوع فعل مجهول را می آوریم. مثلاً اگر خواستیم از مصدر «لانا» ماضی قریب مجهول
بسازیم در آخر ماضی مطلق که «لایا» باشد، ماضی قریب مصدر «جانا» را که «گیاہے» باشد می آوریم مانند: لایا
+ گیاہے = لایا گیاہے (آورده شده است). و اگر خواستیم فعل حال مجهول بسازیم در آخر ماضی مطلق که
«لایا» باشد، فعل حال مصدر «جانا» را که «جاتاہے» باشد می آوریم مانند: لایا + جاتاہے = لایا جاتاہے (آورده
می شود)

ماضی مطلق مجہول						
جنس	واحد غائب	جمع غائب	واحد حاضر	جمع حاضر	واحد متکلم	جمع متکلم
مذکر	وہ بھیجا گیا	وہ بھیجے گئے	تو بھیجا گیا	تم / آپ بھیجے گئے	میں بھیجا گیا	ہم بھیجے گئے
مؤنث	وہ بھیجی گئی	وہ بھیجی گئیں	تو بھیجی گئی	تم / آپ بھیجی گئیں	میں بھیجی گئی	ہم بھیجی گئیں
ترجمہ	او فرستادہ	آنها فرستادہ	تو فرستادہ	شما فرستادہ	من فرستادہ	ما فرستادہ
	شد	شدند	شدی	شدید	شدم	شدیم

ماضی قریب مجہول						
جنس	واحد غائب	جمع غائب	واحد حاضر	جمع حاضر	واحد متکلم	جمع متکلم
مذکر	بھیجا گیا ہے	بھیجے گئے ہیں	بھیجا گیا ہے	تم / آپ بھیجے گئے ہیں	میں بھیجا گیا ہوں	ہم بھیجے گئے ہیں
مؤنث	بھیجی گئی ہے	بھیجی گئی ہیں	بھیجی گئی ہے	تم / آپ بھیجی گئی ہیں	میں بھیجی گئی ہوں	ہم بھیجی گئی ہیں
ترجمہ	او فرستادہ	آنها فرستادہ	تو فرستادہ	شما فرستادہ	من فرستادہ	ما فرستادہ
	شدہ است.	شدہ اند	شدہ ای	شدہ اید	شدہ ام	شدہ ایم

ماضی بعید مجہول						
جنس	واحد غائب	جمع غائب	واحد حاضر	جمع حاضر	واحد متکلم	جمع متکلم
مذکر	بھیجا گیا تھا	بھیجے گئے تھے	بھیجا گیا تھا	تم / آپ بھیجے گئے تھے	میں بھیجا گیا تھا	ہم بھیجے گئے تھے
مؤنث	بھیجی گئی تھی	بھیجی گئی تھیں	بھیجی گئی تھی	تم / آپ بھیجی گئی تھیں	میں بھیجی گئی تھی	ہم بھیجی گئی تھیں
ترجمہ	او فرستادہ	آنها فرستادہ	تو فرستادہ	شما فرستادہ	من فرستادہ	ما فرستادہ
	شدہ بود.	شدہ بودند	شدہ بودی	بودید	شدہ بودم	بودیم

ماضی استمراری مجہول						
جنس	واحد غائب	جمع غائب	واحد حاضر	جمع حاضر	واحد متکلم	جمع متکلم
مذکر	وہ	وہ	تو	تم / آپ	میں	ہم
	بھیجا جاتا تھا	بھیجے جاتے تھے	بھیجا جاتا تھا	بھیجے جاتے تھے	بھیجا جاتا تھا	بھیجے جاتے تھے
مؤنث	وہ	وہ	تو	تم / آپ	میں	ہم
	بھیجا جاتا تھا	بھیجے جاتے تھے	بھیجا جاتا تھا	بھیجے جاتے تھے	بھیجا جاتا تھا	بھیجے جاتے تھے
مؤنث	وہ	وہ	تو	تم / آپ	میں	ہم
	بھیجی جاتی تھی	بھیجی جاتی تھیں	بھیجی جاتی تھی	بھیجی جاتی تھیں	بھیجی جاتی تھی	بھیجی جاتی تھیں
ترجمہ	او	آنها	تو	شما	من	ما
	فرستادہ	فرستادہ	فرستادہ	فرستادہ	فرستادہ	فرستادہ
ترجمہ	می شد.	می شدند	می شدی	می شدید	می شدم	می شدیم

ماضی احتمالی مجہول						
جنس	واحد غائب	جمع غائب	واحد حاضر	جمع حاضر	واحد متکلم	جمع متکلم
مذکر	وہ	وہ	تو	تم / آپ	میں	ہم
	گیا ہو گا	گئے ہو گئے	گیا ہو گا	گئے ہو گئے	گیا ہو گا	گئے ہو گئے
مؤنث	وہ	وہ	تو	تم / آپ	میں	ہم
	گئی ہو گی	گئی ہو گئی	گئی ہو گی	گئی ہو گئی	گئی ہو گی	گئی ہو گئی
ترجمہ	او	آنها	تو	شما	من	ما
	شاید فرستادہ	شاید فرستادہ	شاید فرستادہ	شاید فرستادہ	شاید فرستادہ	شاید فرستادہ
	شدہ باشد.	شدہ باشند.	شدہ باشی	شدہ باشید	شدہ باشم	شدہ باشیم

ماضی تمنایی مجهول						
جنس	واحد غائب	جمع غائب	واحد حاضر	جمع حاضر	واحد متکلم	جمع متکلم
مذکر	وہ بھیجا جاتا	وہ بھیجے جاتے	تو بھیجا جاتا	تم / آپ بھیجے جاتے	میں بھیجا جاتا	ہم بھیجے جاتے
مؤنث	وہ بھیجی جاتی	وہ بھیجی جاتیں	تو بھیجی جاتی	تم / آپ بھیجی جاتیں	میں بھیجی جاتی	ہم بھیجی جاتیں
ترجمہ	او اگر/کاش فرستادہ می شد۔	آنها اگر/کاش فرستادہ می شدند۔	تو اگر/کاش فرستادہ می شدی	شما اگر/کاش فرستادہ می شدید	من اگر/کاش فرستادہ می شدم	ما اگر/کاش فرستادہ می شدیم

فعل حال مجهول						
جنس	واحد غائب	جمع غائب	واحد حاضر	جمع حاضر	واحد متکلم	جمع متکلم
مذکر	وہ بھیجا	وہ بھیجے	تو بھیجا	تم بھیجے جاتے ہو۔	میں بھیجا	ہم بھیجے جاتے ہیں
	جاتا ہے	جاتے ہیں	جاتا ہے	آپ بھیجے جاتے ہیں	جاتا ہوں	
مؤنث	وہ بھیجی	وہ بھیجے	تو بھیجی	تم بھیجے جارہے ہو۔	میں بھیجی	ہم بھیجے جارہے ہیں
	جارہا ہے	جارہے ہیں	جارہا ہے	آپ بھیجے جارہے ہیں	جارہا ہوں	
مؤنث	وہ بھیجی	وہ بھیجی	تو بھیجی	تم بھیجی جاتی ہو۔	میں بھیجی	ہم بھیجی جاتی ہیں
	جاتی ہے	جاتی ہیں	جاتی ہے	آپ بھیجی جاتی ہیں	جاتی ہوں	
ترجمہ	او فرستادہ	آنها فرستادہ	تو فرستادہ	شما فرستادہ می شوید	من فرستادہ	ما فرستادہ
	می شود۔	می شوند	می شوی		می شوم	می شویم

فعل مضارع مجہول						
جنس	واحد غائب	جمع غائب	واحد حاضر	جمع حاضر	واحد متکلم	جمع متکلم
مذکر	وہ	وہ	تو	تم بھیجے جاؤ آپ بھیجے جائیں	میں بھیجا جاؤں	ہم بھیجے جائیں
مؤنث	وہ	وہ	تو	تم بھیجی جاؤ آپ بھیجی جائیں	میں بھیجی جاؤں	ہم بھیجی جائیں
ترجمہ	او فرستادہ بشود.	آنها فرستادہ بشوند	تو فرستادہ بشوی	شما فرستادہ بشوید	من فرستادہ بشوم	ما فرستادہ بشویم

فعل مستقبل (آیندہ) مجہول						
جنس	واحد غائب	جمع غائب	واحد حاضر	جمع حاضر	واحد متکلم	جمع متکلم
مذکر	وہ بھیجا جائے گا	وہ بھیجے جائیں گے	تو بھیجا جائے گا	تم بھیجے جاؤ گے آپ بھیجے جائیں گے	میں بھیجا جاؤں گا	ہم بھیجے جائیں گے
مؤنث	وہ بھیجی جائے گی	وہ بھیجی جائیں گی	تو بھیجی جائے گی	تم بھیجی جاؤ گی آپ بھیجی جائیں گی	میں بھیجی جاؤں گی	ہم بھیجی جائیں گی
ترجمہ	او فرستادہ خواہد شد.	آنها فرستادہ خواہند شد.	تو فرستادہ خواہی شد.	شما فرستادہ خواہید شد.	من فرستادہ خواہم شد.	ما فرستادہ خواہیم شد.

درس بیست و ہفتم

روش استعمال مصدر سگنا (توانستن)

ابتدا مصدری را کہ می‌خواہیم مصدر (سگنا) را با او استعمال کنیم، در جملہ ذکر می‌کنیم و علامت مصدر (تا) را از آخر آن مصدر حذف می‌کنیم و دیگر هیچ نوع تغییری در آن نمی‌آوریم سپس مصدر (سگنا) را بعد از آن مصدر می‌آوریم و تمام تغییراتی را کہ برای ساختن افعال مختلف لازم می‌باشد در مصدر (سگنا) می‌آوریم نہ آن مصدر دیگر. مثلاً ما می‌خواہیم مصدر (سگنا) را با مصدر (لانا) استعمال کنیم پس علامت مصدر (تا) را از آخرش حذف می‌کنیم و دیگر هیچ نوع تغییری در آن نمی‌آوریم و سپس مصدر (سگنا) را بعد از (لا) می‌آوریم و تمام تغییرات را در مصدر (سگنا) می‌آوریم مانند نقشہ زیر:

توانستم بیاورم	لا سکا	توانستم بیاورم	لا سکا ہے	توانستہ ام بیاورم	لا سکا تھا	توانستہ بودم بیاورم
توانستیم بیاوریم	لا سکے	توانستہ ایم بیاوریم	لا سکے ہیں	توانستہ بودیم بیاوریم	لا سکے تھے	
می‌توانستم بیاورم	لا سکتا تھا	می‌توانم بیاورم	لا سکتا ہوں	آوردہ خواہم توانست	لا سکوٹگا	
می‌توانستیم بیاوریم	لا سکتے تھے	می‌توانیم بیاوریم	لا سکتے ہیں	آوردہ خواہیم توانست	لا سکیں گے	

درس بیست و هشتم

روش استعمال مصدر چاهنا (خواستن)

هر زمان مصدر (چاهنا) به تنهایی در جمله ذکر شود همانند مصادر دیگر ساخته می شود مانند: چاهنا: خواستم ؛ چاهتا تھا:

می خواستم؛ چاهتا ہوں: می خواهم

اما هر زمان با مصادر دیگر در جمله ذکر شود روش استعمالش این است که ابتدا مصدری را که می خواهیم (چاهنا) را با او استعمال کنیم، به صورت مصدر در جمله ذکر می کنیم و هیچ نوع تغییری در آن نمی آوریم سپس مصدر (چاهنا) را بعد از آن مصدر می آوریم و تمام تغییراتی را که برای ساختن افعال مختلف لازم می باشد در مصدر (چاهنا) می آوریم نه آن مصدر دیگر. مثلاً ما می خواهیم مصدر (چاهنا) را با مصدر (لانا) استعمال کنیم پس (لانا) را به صورت مصدر ذکر می کنیم و هیچ نوع تغییری در آن نمی آوریم سپس مصدر (چاهنا) را بعد از (لانا) می آوریم و تمام تغییرات را در مصدر (چاهنا) می آوریم مانند نقشه زیر:

لانا چاهنا	خواستم بیاورم	لانا چاهتا تھا	خواسته بودم بیاورم	لانا چاهتا تھا	می خواستم بیاورم
لانا چاهے	خواستیم بیاوریم	لانا چاهے تھے	خواسته بودیم بیاوریم	لانا چاهے تھے	می خواستیم بیاوریم
لانا چاهتا ہوں	می خواهم بیاورم	لانا چاہ رہا ہوں	می خواهم بیاورم	لانا چاہو گے	خواهم آورد
لانا چاہتے ہیں	می خواهیم بیاوریم	لانا چاہ رہے ہیں	می خواهیم بیاوریم	لانا چاہیں گے	خواهیم آورد

درس بیست و نهم

روش استعمال فعل لگنا با افعال دیگر

هر زمان مصدر (لگنا) به تنهایی در جمله ذکر شود همانند مصادر دیگر ساخته می‌شود و به ۳۳ معنی می‌آید که در فیروز اللغات صفحه ۱۱۶۱ ذکر شده است از قبیل: چسپیدن، وصل شدن، زخمی شدن، شعله ور شدن و ...

اما هر زمان با افعال دیگر در جمله ذکر شود فقط به معنای شروع کردن می‌آید و روش استعمالش این است که ابتدا مصدری را که می‌خواهیم (لگنا) را با او استعمال کنیم، در جمله ذکر می‌کنیم و الفی را که در آخر مصدر است حذف می‌کنیم و بجای آن یای مجهول (ے) می‌آوریم و دیگر هیچ نوع تغییری در آن نمی‌آوریم سپس مصدر (لگنا) را بعد از آن مصدر می‌آوریم و تمام تغییراتی را که برای ساختن افعال مختلف لازم می‌باشد در مصدر (لگنا) می‌آوریم نه آن مصدر دیگر. مثلاً ما می‌خواهیم مصدر (لگنا) را با مصدر (لانا) استعمال کنیم پس الفی را که در آخر مصدر (لانا) است حذف می‌کنیم و بجای آن یای مجهول (ے) می‌آوریم و دیگر هیچ نوع تغییری در آن نمی‌آوریم و سپس مصدر (لگنا) را بعد از (لانه) می‌آوریم و تمام تغییرات را در مصدر (لگنا) می‌آوریم مانند نقشه زیر:

آوردن را شروع کرده بودم	لانے لگتا تھا	آوردن را شروع کرده ام	لانے لگے	آوردن را شروع کردم	لانے لگا
آوردن را شروع کرده بودیم	لانے لگتے تھے	آوردن را شروع کرده ایم	لانے لگتے ہیں	آوردن را شروع کردیم	لانے لگے
آوردن را شروع خواهم کرد	لانے لگوں گا	آوردن را شروع می‌کنم	لانے لگتا ہوں	آوردن را شروع می‌کردم	لانے لگتا تھا
آوردن را شروع خواهیم کرد	لانے لگیں گے	آوردن را شروع می‌کنیم	لانے لگتے ہیں	آوردن را شروع می‌کردیم	لانے لگتے تھے